



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۴۵

جلسه ۲۵

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس یوم یکشنبه هشتم آبان ماه قرائت و تصویب شد. غائبین با اجازه - آقایان : حاج آقا رضا رفیع - علی خان اعظمی و شیخ علی دشتی - میرزا حسین خان دادگر - مدرس - سرریض. غائبین بی اجازه - آقایان : محمدولی خان اسدی - میرزا محمد علی خان نظام مافی - میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر

میرزا حسن آقا آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - والی زاده جوانشیر - دکتر رفیع خان - شیخ محمد علی ثابت.

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: مرتضی قلی خان بیات - میرزا محمد تقی بهار.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی - فیروز میرزا فیروز - امام جمعه شیراز - میرزا حسین خان وزیر - محمد ولی میرزا.

آقای آقا سید یعقوب راجع بعدم قبول تمبرهای پستی سابق از طرف اداره پست و لزوم تعیین تکلیف صاحبان تمبر شرحی تقریر آقای زوار راجع به تمدی تحصیلداران و مأمورین مالیه نسبت برعایا مختصری اظهار و تقاضا نمودند کمیسیون از طرف مجلس شورای ملی برای تعیین مذاکرات قبل از دستور تشکیل شود.

آقای عراقی شرحی مشعر بلزوم استحضار نمایندگان از نتیجه اقدامات دولت راجع بسوء قصد واقع نسبت با آقای مدرس تقریر و آقای بامداد نیز شرحی در این خصوص اظهار و تقاضا نمودند کمیسیون از طرف مجلس برای نظارت و تأکید این موضوع بهیئت دولت تشکیل و نتیجه تحقیقات و اقدامات خودشان را به مجلس اعلام نمایند و قرار شد به هیئت دولت اطلاع داده شود پس از تنفس برای دادن توضیحات در مجلس حاضر شوند.

آقای حائری زاده شرحی راجع بلزوم استقرار روابط تجارتي فیما بین ایران و روسیه و لزوم اجراء قسمت اول فصل نوزدهم عهدنامه ایران و روس تقریر و از آقای وزیر امور خارجه سؤال نمودند آیا در خصوص عقد قرارداد تجارتي مذاکراتی بین دولین جریان دارد یا خیر؟ و در صورتی که مذاکراتی جریان دارد ترتیب آن از چه قرار خواهد بود؟

آقای وزیر امور خارجه اظهار نمودند اولاً بواسطه تفکیک بعضی ممالک از روسیه قدیم مقدار کثیری از احتیاج مملکت مزبور به محصولات ایران کاسته شده و ثانیاً مسئله نقصان صادرات بروسیه تنها مربوط بایران نبوده بلکه صادرات سایر ممالک هم بواسطه ازدیاد عوارض گمرکی روسیه بمراتب شدیدتر از صادرات ایران نقصان حاصل نموده و در خصوص عقد قرارداد تجارتي هم دولت مشغول اقدامات بوده و علت تأخیر حصول نتیجه این بوده که دولت قصد داشته است تمام مسائل مختلف فیها راجع باین موضوع را دفته خاتمه دهد و انشاء الله تا دو هفته دیگر نتیجه اقدامات دولت بعرض مجلس خواهد رسید.

سه فتره خیر از کمیسیون عرایض و سرخصی راجع بمرخصی آقایان طباطبائی دیبا - آقای زین العابدین فومنی و حاج میرزا حبیب الله امین قرائت و نسبت بهریک جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید. خیر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسه رهنی مطرح و در ماده الحاقیه اول راجع به تعیین صد دوازده حق الحفظه و مال الاجاره و مال الصلح در معاملات استقراری مؤسسات و اشخاص چون مخالفی نبود رأی گرفته تصویب گردید.

ماده الحاقیه دیگر راجع بقبول وجوه مردم از طرف مؤسسه رهنی دولتی بمدت یکسال و پرداخت صدی شش حق الحفظه

بصاحبان وجوه قرائت و آقای قهیعی عقیده شان این بود مؤسسه کمتر از مدت یکسال هم وجوه را قبول و بدون اضافه حق الحفظه بصاحبان وجوه رد نماید.

آقای حاج میرزا حبیب الله امین عقیده شان این بود بجای عبارت (دولت از حق الحفظه که مؤسسه از بابت مرانه مال مذکور میگیرد بصاحب اسانت خواهد داد) که در صورت صدی شش حق الحفظه بصاحبان وجوه برسد و آقای آقا سید یعقوب عقیده شان این بود ماده بکمیسیون اعاده و طوری نوشته شود که با معاملات ربوی شبهه نشود.

آقایان مشخبر و شریعت زاده اظهار مینمودند این ماده از طرف آقای مدرس پیشنهاد شده و بدیهی است در صورتی که جزئی مخالفتی با قواعد شرعیه میداشت از طرف ایشان پیشنهاد نمیشد عبارت ماده هم برای مقصودی که در نظر است کافی است.

آقای حاج میرزا حبیب الله امین برطبق عقیده خود اصلاحی پیشنهاد و آقای بهبهانی شرحی مشعر بعدم مخالفت ماده مزبوره با سوازمین شرعیه تقریر و بالاخره نسبت به پیشنهاد آقای امین اخذ رأی شده رد و ماده الحاقیه بضمیمه تبصره تصویب و در ضمن شورکلی آقای بامداد با ذکر کلمه (لدى الاقتضاء) در تبصره ماده سوم شرحی مبنی بر مخالفت و آقای یاسائی مختصری مشعر بموافقت اظهار نسبت به قانون مزبور با ورقه رأی گرفته از ۷۸ نفر نمایندگان حاضر به اکثریت ۶۶ رأی تصویب شد.

در این موقع جلسه برای تنفس و به فاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل و آقایان فاطمی و بهبهانی راجع بلزوم کشف قضیه واقع نسبت به آقای مدرس و ابراز تأثر و دلنگی از تأخیر این امر هر یک شرحی تقریر و بعلاوه آقای بهبهانی اظهار مینمودند از قرار مسموع انتشار اخبار راجعه به این موضوع در جرائد قدغن شده و علت آن معلوم نیست.

آقای وزیر مالیه اظهار مینمودند بدیهی است دولت کشف این قضیه را از وظائف حتمیه خود شمرده و در این چند روزه آنی غفلت نداشتند و شبانه روز مشغول اقدام و صدور تعلیمات به مأمورین خود بوده و البته مجلس شورای ملی منتظر اخذ نتیجه بوده و شاید اظهار بعضی مسائل علناً مقتضی نباشد و راجع بسانسور جرائد هم از طرف دولت دستوری صادر نشده و چنانچه وزارت عدلیه یا اداره نظمی خواسته اند عملیات مقدساتی خود را مخفی نمایند برای وصول به اخذ نتیجه بسرعت بوده و مربوط بسانسور جرائد نیست و در هر صورت امید است به زودی نتیجه اقدامات دولت به عرض مجلس برسد.

آقای فیروز آبادی نیز مختصری راجع بلزوم اقدام جدی از طرف دولت در این امر تقریر و آقای داور راجع بصحت و سقم خیر قتل یکنفر آژان در موقع جنایت و اینکه در صورت صحت آیا جنازه مقتول برؤیت طیب قانونی عدلیه و مدعی عموم و غیره رسیده شرح مختصری بطور سؤال اظهار و آقای رئیس الوزراء شرحی راجع به اقدامات دولت در تعقیب این موضوع تقریر و نسبت بسانسور جرائد هم اظهار بی اطلاعی و تکذیب نموده و راجع به قتل یکنفر

و نیم قبل از ظهر و دستور آن بقیه دستور همین جلسه مقرر و مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد

در جلسه پنجشنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۵ قرائت و چون مخالفی نبود تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین (سنشی: سید ابراهیم ضیاء) (سنشی: میرزا حسین خان سقر)

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دهم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۵

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دهم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۵ .
مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

صورت مجلس روز یکشنبه ۸ آبان را آقای ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - قمع از دستور.

رئیس - آقای زوار. (اجازه)

زوار - قبل از دستور.

رئیس - آقای عراقی. (اجازه)

عراقی - عرض بنده هم قبل از دستور است.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده از آقای وزیر امور خارجه سؤالی داشتم که اجازه میفرمائید بعد از تصریح صورت مجلس عرض کنم.

رئیس - آقای حاجی میرزا حبیب الله امین فرمایشی داشتید؟
حاج میرزا حبیب الله امین - در جلسه قبل بنده کسالت داشتم. و کتباً هم اجازه سرخصی نموده بودم.

رئیس - مراجعه میشود به کمیسیون عرایض و بعد اصلاح میشود. آقای بامداد (اجازه)

بامداد - قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای بهبهانی. (اجازه)

میرزا سید احمد بهبهانی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.
رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی مایل بودم که آقایان وزراء در جلسات علنی مجلس غالباً حاضر شوند. چون هرچه در اینجا صحبت میشود، مسائلی است که راجع به قوه مجریه است و باید جدا در تحت نظر بگیرند و در مقام عمل و اجرا برآیند مطالبی را که و کلاه قبل از دستور میگویند مسائلی است که متعلق به مملکت است مسائل فلان مجلس و فلان چیز که نیست. مسائل رسمی مملکتی و احتیاجات عمومی است و باید جدیت نمایند و آنها را اجراء کنند. یکی از مسائلی را که باید عرض کنم راجع به وزارت پست

و تلگراف است. و بعلاوه آقای وزیر خارجه هم تشریف دارند و با اشتراک مسؤولیتی که وزراء با هم دارند البته به وزیر پست و تلگراف هم اظهار خواهند کرد و آن این است: یک مسئله است که تمام علمای حقوق و حتی غالب مردم عموماً میدانند که هیچ عقابى بلا بیان نمیشود. فرض بفرمائید هیچ آقائی نوکر خودش و هیچ صاحب خانه یا ازبانی تا مأمور خودش را تکلیف بخدمت نکند عقاب نمی کند و مأمور خودش را نمیتواند بزند که چرا آب برای من نیاوردی. باید اول بگویند آب برای من بیاورد اگر نیاورد آنوقت باید عقاب کند و مطابق قانون مقدس اسلام هم (و ساکتا معذین حتی نبعت رسولاً) تا تکلیف را معین نکنند عقاب را نباید متوجه بکنند. دیشب بنده در منزل بودم دیدم یک کاغذی برای بنده رسیده است و نوشته است که ما قبل از تمبرهای فعلی دارای یک تمبرهایی بودیم دولت هم اعلان نکرد که این تمبرها را بیاورید تا جمع کنیم ما بمرجوب این تمبر که تمبر رسمی دولتی است و شیر و خورشید دارد مراسلاتی میفرستیم و از این تمبرها روی پاکت می چسبانییم آنوقت تازه در اینجا اداره پست حرف نمیزند بعد که میبرند در محل آنجا مأمورین پست و تلگراف مثلاً در دساوند یا شیراز یا اصفهان مردم را عقاب مینمایند. لااقل در آنجائی که میخواهند پاکت را بفرستند مأمورین وزارت پست و تلگراف جلوگیری نمی نمایند که آیا پاکت را برگردان بعد که میبرند در مقصد اسباب زحمت مردم را فراهم می کنند و جریمه میگیرند که چرا این تمبر را زده اید. آقا: ما که خبر نداشتیم!! اعلان که نکردید!! اول هم که اطلاع ندادید!! کاغذ را که میبرانند از طرف دو مقابل جریمه میگیرند. ملاحظه بفرمائید!! ما این را تحت چه عنوان قرار بدیم؟! آخر آقا، شما بچه مناسبت عقاب بلا بیان می کنید. بدون اینکه مردم را قبلاً مطلع نمائید. بدون اینکه بیان کنید!! دولت باید بیان کند! مردم را مستحضر کند. تمبر راجع آوری کند. اینطور که نمیشود. بابا این تمبر رسمی دولت است! مردم پول از جیبشان درآوردند و اینقدر تمبر خریدند! حالا که میخواهند مصرف کنند اینطور عمل می کنند!! حالا که میخواهید تمبر دیگر بچسبانیید اعلان کنید که تا دو ماه. سه ماه. تا آن اندازه که مقتضی است مدت معین کنید که تمبرها را مردم بیاورند بخیرید و بسوزانید!! واقعاً من از آقایان اکثریت که طرفدار دولت هستند خجالت میکشم. آقای حائری زاده: من واقعاً خجالت میکشم این عرایض را می کنم. ولی چه باید کرد: آقایان

سردم پول از جیبشان بیرون آورده و تمبر خریده‌اند و روی پاکت میزنند. وقتی که استعمال می‌کنند دولت دو مقابل جریمه‌شان میکند!! آخر این چه ترتیبی است!! کی اطلاع داده‌اند. در تحت چه قانونی چه حکومتی؟! اگر چه یکی از آقایان نمایندگان به بنده فرمودند که در وزارت پست و تلگراف راجع به اینکار مشغول فکر هستند. این کار فکر ندارد!! اعلان کنند که هر کس تمبر دارد بیاورد به وزارت پست و تلگراف دولت در مقابل آن پول میدهد و آتش میزند!! بانک چه کرد؟! اسکناس را چه طور جمع کرد؟! پس یاد بگیرید!! دولت هم باید همین کار را بکند باید اعلان بکند دو ماه سه ماه مدت قرار بدهد و جمع آوری کند. اینکه معنی ندارد!! اعلان کردن که فکر ندارد!! چرا اینکار را می‌کنند. دولت که نایب حسین کاشی نشده است که اینکار را می‌کند. این هم کما غرض است. برای اطلاع آقایان آورده‌ام. اینهم مدرکش است. که فرستاده است پیش بنده. مقصود این است که بوزراء تذکر داده شود که جدیت نمایند که چیزهای رسمی دولتی تزلزل پیدا نکند. و از روی حقیقت عرض من برای رفع حاجت است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای زوار. (اجازه)

زوار - بالاخره اخیراً قائل شدم که مذاکرات قبل از دستور وقت مجلس را تلف میکند به این دلیل که مؤثر واقع نمیشود. یک ماه و نیم است از عمر رسمی مجلس شورای ملی میگذرد هر روز اغلب آقایان نمایندگان بنویه خودشان از بدبختی‌های ملت و مملکت بیاناتی می‌کنند ولی خیلی تأسف میخورم که هیچ مؤثر واقع نشده است. از این نقطه نظر بنده یک تذکری دارم خدمت آقایان و یک استدعائی. تذکر بنده این است که البته آقایان محترم تصدیق دارند که بنای مجلس شورای ملی بر روی عدالت است. در زمان مظفری وقتی که فشار به ملت وارد آمد جمع شدند و آن اساس را خراب کردند و این مجلس شورای ملی را بنا کردند و نمایندگان فرستادند که ابواب عدالت برای آنها مفتوح شود. پس بنابراین اصل مهم آقایان نمایندگان باید فوق‌العاده مواظب باشند که ملت اقلاً در تحت فشار داخلی واقع نشود. حالا اگر فشارهای خارجی از نقطه نظر اقتصادی است آنها در جای خودش میبختی است علیحده. بالاخره باید این رعیت بیچاره لااقل زحمتی را که میکشد و یک حقوقی بما میدهد اقلاً ما هم کاری کنیم که آنها از تحت فشار خارج شوند. بنده فقط در این موضوع اقتدا می‌کنم. فرمایش آقای سیرزا حسن خان وثوق که روزی آنجا فرمودند آیا هیچ دیده‌اید یعنی هیچ مبتلا شده‌اید که مأمور دولت اعم از لشکری و کشوری مزاحم حال شما بشود و حتی داسنه آن مأموریتش را تا درب اندرون شما هم توسعه بدهد؟ هیچ اینطور شده است؟ اگر شده است آنوقت به بینید که این تحصیل داران مالیه چه بلائی بسر رعیت بیچاره می‌آورند. رعیتی که از دادن مالیات استنکاف ندارد، مالیات مستقیم و غیر مستقیم را میبرد از دیگر این تعدیات و مظالم مأمورین و تحصیل داران مالیه که شب میروند تا صبح

بشت منزل مرد که می‌ماند هزار جور بی‌ناموسی و تعدی میکنند!! اسم این را چه میشود گذاشت؟ پس استدعا خواهم کرد از آقایان نمایندگان محترم که یک کمیسیون معین بفرمایند (حالا اسمش را هر چه میخواهید بگذارید) فقط آن کمیسیون مذاکرات قبل از دستور را که آقایان نمایندگان هر یک بنویه خردشان میفرمایند و تذکراتی میدهند تشریح کنند و فکری برای عملی شدن آنها بفرمایند فرض بفرمایند بنده اینجا الان عرض میکنم که رعایا و زارعین از دست تحصیل داران مالیه به تنگ آمده‌اند. مالیات مستقیم و غیر مستقیم را داده‌اند حالا از آنها خروس سفید هم میخواهند. مثلاً اگر خروس سیاه بیاورند قبول نمی‌کند و به هزار زحمت دسترنج رعایای بیچاره صرف هوی و هوس محصلین مالیه میشود و این هیچ معلوم نیست از چه نقطه نظر است. استدعا میکنم آقایان یک کمیسیون برای مذاکرات قبل از دستور معین کنند که مذاکرات قبل از دستور در آنجا مطرح شده و یک نفر از آقایان وزراء هم در آنجا حاضر باشند و باظهارات آقایان نمایندگان که راجع باسایش ملت است لااقل یک توجهی بفرمایند (بعضی از نمایندگان صحیح است) مطلب دیگر آنکه در روزنامه شریفه قانون یک عبارتی نوشته شده بود - فقط بنده شخصاً بنویه خودم بایشان عرض میکنم بنده که یکی از نمایندگان ولایات هستم هیچ قوه مقننه‌ای قادر نیست که مالک فکرم بشود - در عقیده سیاسی خود آزاد هستم و عقیده‌فروشی هم نمی‌کنم و مادامی که مدت خدمت من در مجلس شورای ملی منقضی نشده است هیچ وقت عقیده و فکر سیاسی خودم را بهیچ کس نمیدهم و هیچ کس هم قادر نیست عقیده مرا مالک شود - این را بنویه خودم عرض کردم.

رئیس - آقای عراقی. (اجازه)

آقای عراقی - آقایان محترم نمایندگان نطقهائی کردند که راجع بولایات و راجع به تعدی مأمورین به رعایا بود ولی بنده غرضم از اینکه آدمم اینجا تصدیع بدهم این است که میخواهم دنباله عرایض جلسه قبل خودم را عرض کنم - اولاً باید یک حساسی در کارها بکنیم بعد به بینیم آن رنجبر یا رعیتی که در آن گوشه بیابان گرفتار مأمورین مالیه یا سایر مأمورین دولتی است باوجه میگذرد - در چند روز قبل یک همچو واقعه و فاجعه مهمی واقع شده است که بنده نمی‌توانم آنرا جزو وقایع عادی عرض کنم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) شخص آقای مدرس یکی از وکلای عادی نبود - ایشان کسی هستند که برای حفظ استقلال مملکت همیشه سینه خودشان را سپر کرده و همیشه حافظ استقلال مملکت بودند (صحیح است) حالا یک همچو قضیه نسبت بایشان واقع شده است - بنده می‌بینم دولت با اینکه آنروز خیلی باکمال پاکیزگی بما میگفت که خیر من مشغول تهیه مقدمات و کشف موضوع هستم ولی از آنروز تا بحال هنوز از طرف دولت اطلاعی بما نرسیده که چه کرده‌اند و چه تحقیقاتی نسبت باین قضیه بعمل آورده‌اند آیا ضارب کشف شده؟ آیا استنتاجات او معلوم شده یا نه؟ وقتی مجلس شورای ملی یک چیزی را از هیئت دولت می‌خواهد دولت نباید اقتدر مسامحه کرده باشد و جواب ندهد تقاضای من از

مجلس شورای ملی آن است که دولت را بخواهند از دولت بپرستند که در ظرف این دو سه روزه که مشغول کار بودید چه کرده‌اید و تا این قضیه کشف نشود بنده تصور نمی‌کنم آقایان نمایندگان بتوانند با اطمینان خاطر بسایر کارها برسند (بعضی از نمایندگان - صحیح است).

رئیس - آقای بامداد. (اجازه)

بامداد - بنده قبل از عرایض تشکر می‌کنم از آقای عراقی که اقلاً باز تذکر دادند و اجازه هم که می‌خواستم برای همین بود که تذکر بدهم - چهارروز است می‌گذرد و من از هر کس که می‌پرسم شما خبری راجع به کشف قضیه شنیده‌اید؟ گفتند خیر این مسئله مرا مجبور کرد که به عرض آقایان نمایندگان برسانم - که اگر این مسئله کشف نشود و بالاخره همینطور بماند مطابق معمول و عادت این مملکت کم کم قضیه منسی میشود - فراهوش میشود و کم کم خواهند گفت که خوب حالا که آقای مدرس دیگر خطری ندارند والحمدلله راحت شدند - انشاءالله چند روز دیگر هم بمجلس می‌آیند - در دوره پیش چند نفر از وکلاء را کتک زدند و حالا مثل مدرس شخصی را مورد حمله قرار میدهند تا بعدها چه شود؟! حالا نه اینکه بنده بخواهم مقام مدرس را بگویم و بگویم ایشان جنبه روحانیت دارند - طراز اول هستند - خیر اینها را بنده نمی‌گویم مقامات آقای مدرس در جای خود محفوظ است ولی ما باید حساب کنیم و منطقیاً تجزیه کنیم که مدرس چرا مورد حمله واقع میشود. مدرس کسی را نکشته بود که قصاص نشده باشد و آن شخص بخواهد قصاص کند - مدرس خانواده کسی را از هستی ساقط نکرده بود (نمایندگان صحیح است) اینها همه مسلم است - بنده وقتی حساب کردم و دوسه شب است فکر می‌کنم که ببینم مدرس چرا مورد حمله شد؟ بالاخره فکرم باین جا منتهی شد که مدرس دارای یک سزیتی است که صراحت لهجه و شجاعت ادبی دارد - خشن هم حرف می‌زند اگر چیزی عقیده پیدا کرد تر روی مردم هم می‌گوید دنبال آن کار هم می‌ایستد استقامت هم می‌کند - مدرس بکند دارد و یک زبان و آن چه را که تشخیص میدهد بزبانش می‌گوید این البته شاید بیک مقامی بر بخورد - اصل استفاده پارلمانی هم همین است در دنیا و کیل و نماینده ملت باید بتواند آنچه را که تشخیص میدهد و مصلحت مملکت میداند آزادانه بگوید اصل مصونیت و کیل را هم دنیا برای همین قائل شده است والا بنده بایک فرد عادی فرتی نداریم پس عنوان نمایندگی که آمد اصل مصونیت هم طبعاً دنبالش می‌آید برای اینکه بدون بیم و هراس هر چه میخواهد بگوید مدرس این صفت را داشته است که مورد حمله واقع شده است. پس بنابراین اصل آزادی عقیده و اصل شجاعت ادبی مورد حمله واقع شده است. بنابراین مثل مدرس کسی که پیرمرد است - سیداست مقام مهم روحانی دارد - وقتی هدف واقع شود، بر طبق همین تجزیه منطقی که بنده پیش خودم حساب کردم، بنده دیگر چه کاره هستم و چطور میتوانم بعد از این در یک لایحه پاروی یک هیئت دولتی یا امثال این قضایا که پیش می‌آید وارد بشوم؟ (صحیح است) و بنام مصالح مملکت و ملت اظهاراتی بکنم؟ بنده از آقایان باز

استدعا میکنم که سرد نشوند. تعقیب بکنند. حتی اگر آقایان اجازه میدهند و سواقت میفرمایند مطابق اصل سی و سوم قانون اساسی که کمیونسد مجلس میتواند در تمام امور مملکتی نظارت و دخالت و تفتیش بکند بنابراین اصل در خود مجلس شورای ملی یک کمیسیون چند نفری انتخاب بشوند و همین نظارت مجلس را اعمال نمایند مثل فرخا کمیسیون انتخابات یا شعبه دیگر مجلس. هیچ فرق نمی‌کند آنها تعقیب کنند مثل این است که مجلس تعقیب کرده. آن کمیسیون نظارت بکند و تأکید کند بدولت و متصل تذکر بدهد اگر این نباشد اصل مصونیت در بین نیست و اگر اصل مصونیت نباشد منافع پارلمانی در بین نیست. دیگر بنده است بنظر آقایان محترم.

رئیس - اگر آقایان اجازه میدهند به آقای رئیس الوزراء و سایر آقایان وزراء اطلاع داده شود تا موقع بعد از تنفس به مجلس تشریف بیاورند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

بهبهانی - پس اجازه بنده محفوظ بشود تا هیئت دولت تشریف بیاورند.

رئیس - البته آنوقت مانعی ندارد.

بعضی از نمایندگان - دستور.

بهار - آخر آقای بامداد پیشنهادی کردند. باید تکلیف آن معلوم شود.

حائری زاده - بنده علاقه دارم که وسائلی در دنیا پیش بیاید که تمام ملل بایکدیگر دست برداری بدهند و مطامع سیاست چپها از بین برود. این یک عقیده ایست که گمان میکنم تمام ایرانیها با من در این عقیده شرکت داشته باشند. ما هم همیشه طرفدار صلح و مسالمت بوده‌ایم و هستیم نمایندگان (صحیح است) نماینده مادر جامعه ملل همین فکر را تعقیب میکنند. نماینده‌های دیگر ما در هر نقطه از ممالک خارجه برای همین متعهد کوشش می‌نمایند. مادر موقع جنگ عمومی خسارات زیادی بردیم ولی وارد جنگ نشدیم و این آتش را دامن نزدیم خساراتی که دیگران بردند ما هم بردیم ولی وارد میدان جنگ نشدیم و طرفدار صلح بودیم. در اوایل جنگ حکومت سابق روسیه از بین رفت و یک حکومت جدیدی در نتیجه انقلابات پیش آمد که هنوز هم حکومت آنجا را دارد اداره می‌کند از اولی که این حکومت پیدا شده تا امروز همان مرامی را که تمام ما افراد ایرانیها داریم سر لوحه مرام خودش قرار داده است که باید سیاست جهانگیری و اقتصادی و تجارتی و سایر سیاستهایی که اقویا را بهانه میدهد ضعفا را بچاپند و از بین ببرند اینها را باید پامال کرد و از بین برد. اتحاد جماهیر شوروی روسیه و ماحکم دوبرادر را داریم که یکی قوی‌تر و دیگری ضعیف‌تر است و هر دو آرزو داریم که آسایش در دنیا برقرار شود و امنیت حکم فرما باشد و آن مطامع جهانگیری که در دنیا هست از بین برود. این آرزویی است که این دولت دارند و بقدری هم روابط مان محکم است که اگر تصور کنیم یک جزئی اختلافی فیما بین ما هم هست نیست. ماها محتاج به تجارت

روسیه هستیم روسیه هم محتاج به تجارت ما است. آنها محتاجند به امتعه ما برای رفع حوائج شان. ما هم محتاج هستیم بامتعه آنها برای رفع حوائج خودمان. امتعه ما برای روسها ارزان تر است از امتعه آنها که از سایر ممالک اروپا برای آنها وارد میشود همینطور امتعه که از برای ما از روسیه از طرف شمال وارد میشود ارزانتر از امتعه ایست که از سایر نقاط وارد میشود تجارت ما برای روسیه مفید و تجارت روسیه هم برای ما مفید است. این دو برادری که یکی قوی و یکی ضعیف است باید به بینیم که توقعاتشان نسبت بهمدیگر چیست؟ و عملیاتشان چه جور است خیال میکنم اول ملتی که دست دوستی بطرف حکومت جدید روسیه دراز کرد ما بودیم ما اول ملتی بودیم که آن حکومت را بوسمیت شناختیم (صحیح است) و تصور میکنم اختلافی هم از این جهت نباشد بعلاوه در استحکام روابط دولتی هم آنچه که تا بحال از دست ما برمی آمده مسامحه و مسایقه نکرده ایم ولی در ضمن یک توقعاتی هم از برادری خودمان داریم قبل از جنگ تجارت ما با روسیه چه صورت داشته و امروز چه صورتی دارد؟ در صورتی که روسیه امروز سرام و آن چیزی که طرف توجهش است یک اصلی است که حکومت سابق روسیه آن اصل را قبول نداشت. حکومت کارگر میل دارد تمام وسائل آسایش بشر را فراهم نماید و آن حس سلطنت طلبی و جهان گیری که بیشتر حکومت روسیه داشت امروزه دیگر نیست و ندارد. ملت روس دیگر آن فکر را ندارد ولی تجارت ما امروز با آن روز نمیدانم چگونه شده که آنقدر تنزل پیدا کرده پیش از جنگ در حدود دویست میلیون صادر و وارد ما در قسمت شمال بوده است ولی امروز خیلی کم شده است و این کم شدن را که نگاه میکنیم می بینیم از طرف ما تصور و مسامحه نشده است برای اینکه قبل از اینکه عهدنامه تجارتي منعقد بشود در مجلس چهارم گمان میکنم در زمان حکومت آقای قوام السلطنه بود اجازه دادند به تجارتخانه های شوروی که شعبی در مملکت ما باز کنند و مشغول تجارت شوند و مذاکره عقد قرارداد تجارتي هم همه روزه درین بوده من امروز باین عهدنامه مراجعه میکنم دیدم این عهدنامه که در سنه ۱۲۹۹ تنظیم شده و در سنه ۱۳۰۰ از تصویب مجلس چهارم گذشته فصل نوزدهم آن می نویسد:

در مدت قلیلی پس از امضاء این عهدنامه اقدام در تجدید روابط تجارتي خواهند نمود. می بینیم این مدت قلیلی که این جا نوشته است هیچ منتقضی نمیشود در صورتیکه در سنه ۱۲۹۹ این قرارداد تنظیم و در سنه ۱۳۰۰ شمسی از تصویب مجلس چهارم گذشته است. این مدت قلیلی کی خاتمه پیدا می کند؟ من اطلاعی ندارم! ولی آنچه من اطلاع دارم این است که می بینم از طرف ما تا بحال هیچ اشکالی نبوده است. و یک جمله دیگر راجع به فصل بیستم این قرارداد میخواستم عرض کنم و آن راجع به حق ترانزیت است. نظرم هست در مجلس چهارم من استماع کردم و باین عهدنامه رأی ندادم برای اینکه در همین موضوع ترانزیت خیلی صحبت شد و بالاخره مجلس متکی بیک مراسله که سفارت به وزارت خارجه ماسوخته بوده شد که وعده داده بودند این قسمت را

صراحتش را تکمیل کنند و مجلس هم رأی داد ولی من چون جزو عهدنامه نشده بود نتوانستم رأی بدهم و جزو متمنعین بودم. سال پیش که من که از قسمت عشق آباد می آمدم به باد کوبه رسیدم دیدم ایرانیهایی که در آنجا هستند راجع به جای خیلی داد و فریاد داشتند مخصوصاً برای اینکه مدرسه آنجا منحل شده بود گفتند اگر شما بتوانید جواز چای و فروش آن را برای ما بگیریید ما اعانه میدهیم که این مدرسه چرخش نخواهد چای که یکی از مال التجاره های ترانزیتی است و سیاید از مملکت ما عبور میکنند در تحت جواز و انحصاری در آنجا معامله میشد و تجار ما بدون تحصیل و بقره جواز نمیتوانستند بپردازند آنجا کسب نمایند. حالا من در موضوع چای چیزی عرض نمیکنم زیرا ممکن است در این مسئله یک نظری باشد ولی راجع به امتعه خودمان عرض میکنم. خشکه بار و پنبه این ها بازار فروشش بیشتر در قسمت روسیه بوده است قبل از جنگ مال التجاره های عمده که داشتیم اگر بتعرفه های گمرکی مراجعه کنید همین ها بوده است و در صورتی که ما هیچ مانع نیستیم هرمانعی را حکومت شوروی خواسته باشد وارد مملکت ما کند که بگوئیم این لوکس است یا این فلان است ولی از آنطرف یک سرانعی تا بحال بوده است که امتعه ما بآنجاها نرفته است و سالی میلیونها خسارت به رعایا و تجار طرف شمال وارد آمده و من خیلی مسرورم که شخص آقای مستوفی الممالک بهمه نوع احتیاجات مملکتی ما اطلاعات وافی دارند و طرف اعتماد اکثریت قریب باتفاق مجلس شورای ملی هستند و هم چنین وزیر اسر خارجه ایشان هم در موقع مأسوریت خود در مسکو مأسور تنظیم این عهدنامه بودند و ایشان این عهدنامه را تنظیم کردند و تا یک مدت قبل از این سوال بنده هم در روسیه بوده اند از اوضاع آنجا اطلاع کافی و وافی بقدر احتیاج مملکتی ما دارند و حالا هم آمده اند اینجا و بطوریکه در خارج می شنویم مذاکراتی راجع به عقد قرارداد تجارتي در بین هست این بود که میخواستم سوال بکنم که آیا این مسئله صحت دارد یا نه؟ و مذاکراتی در این موضوع جریان دارد یا خیر؟ و اگر صحت دارد خاتمه آن به چه طریق خواهد بود؟ و به چه صورتی انجام خواهد گرفت؟ آیا مثل همان معامله انحصاری است که باید یکنفر باشد و نرخ را هم معین بکنند و آنوقت ایادی متعدده برای خرید و فروش نباشد یا طرز دیگری در نظر گرفته شده است در هر صورت هر چه هست به فلاکت و بدبختی طرف شمال کی خاتمه خواهند داد.

وزیر اسر خارجه — جواب فرمایشات آقای حائری زاده پیش از آن مقداری که میل داشتیم مختصر باشد گویا یک قدری طولانی شود. گله میفرمودند از وضع تجارت شمال و این را بر طبق اطلاعاتی که معتقدند بنده دارم عرض میکنم. اولاً لازم است مسئله که این اوضاع را ایجاد کرده به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم: اگر اطلاع داشته باشند در یکسال و نیم دو سال قبل از اینکه اوضاع تجارت اینطور پیش بیاید نیست و نه میلیون و نیم سنات طلا امتعه ایران بیشتر وارد روسیه شده بود و اینهم مقارن شده بود با ضایع شدن محصولات روسیه. یعنی در مقابل محصولات خودش بکارخانجات اروپا مقداری ماشین آلات سفارش داده بود که در

زودتر تمام بشود یک موضوعی که آنها ذی نفع هستند زودتر خاتمه پیدا کند بلکه میخواهیم یکمرتبه تمام شود و امیدواریم نتیجه اقدامات دولت هم تا دو هفته دیگر کاملاً تعیین شود و بتوانیم بطور قطعی نتیجه اقدامات را به عرض مجلس شورای ملی برسانیم.

رئیس — خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی چهل روزه آقای طباطبائی دیا است کمیسیون هم تصویب کرده. (به شرح ذیل قرائت شد)

آقای طباطبائی دیا نماینده محترم بموجب شرحی که بمقام منبع ریاست عظمی عرض نموده تذکر داده اند که در ادوار سابقه هیچوقت از انجام وظایف* و استجازه مرخصی ولو بمدت قلیلی هم که باشد نموده و کاملاً ادای تکلیف کرده اند لیکن به ملاحظه نذری که شرعاً تعهد ایفای آن را نموده برای پنجاه روز تقاضای غیبت با اجازه نموده کمیسیون نظر به اینکه مسافرت به اعتبارات عرش درجات را که در لایحه تقدیمی تذکر داده اند پنجاه روز را زائد دانسته چهل روز از روز حرکت تصویب مینماید که معظم له غایب با اجازه ثبت شوند.

آقای سعید یعقوب — بنده مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

آقای سعید یعقوب — بنده با اصل موضوع اجازه مخالف نیستم ولی با این طرز راپورت مخالفم. مینویسد به این دلیل کمیسیون تصویب کرد. آقا نماینده حق داده چهل روز. پنجاه روز مرخصی بخواهد سابقه هم داشته است.

من حقیقه از این مسئله عملیات کمیسیون عرایض را نسبت به مرخصی آقایان نمایندگان خوب نمیدانم. فلان نماینده نسیاعت اجازه میخواهد نمیدهند. این چه ترتیبی است؟ خوب است اعضاء کمیسیون عرایض نگاه کنند بسوابقی که بوده است. این ترتیبی که کمیسیون عرایض نسبت به نمایندگان اعمال میکند گمان میکنم در هیچ اداره چکائی هم نباشد. نماینده میخواهد برود کربلا میگوید والله نذر کرده ام باید بروم کمیسیون اجازه نمی دهد! بنا بر این بنده با این طرز راپورت دادن مخالفم ولی با اصل اجازه موافق هستم.

میرزا حسن خان اسفندیاری مخبر — کمیسیون بدون دلیل نمیتواند به یک نفر نماینده که مرخصی میخواهد اجازه بدهد باید دلیلش را اظهار کند تا کمیسیون اجازه نامه را تصویب کند.

رئیس — رأی گرفته میشود به مرخصی چهل روزه آقای دیا. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر دیگر از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به اجازه مرخصی پانزده روزه آقای آقای سعید زین العابدین نماینده فومن.

(بمضمون آتی خوانده شد)

آقای سید زین العابدین نماینده محترم فومن تلگرافاً از مقام ریاست بواسطه گرفتاری از تاریخ ۱۹ مهرمه پانزده روز مرخصی

عرض آن گندم بدهد ولی هم جنس گندمشان بد شد و هم قدری که تصور میکردند حاصل بدست نیامد بنا بر این مجبور شد بعضی کنتراتها خودش را که میتواند لغو بکند با کارخانجات اروپا لغو کرد و در داخله مملکت خودش هم یک رویه صرفه جوئی پیش گرفت و این تفضیلات تجارتي هم که شده است تصور فرمائید که فقط نسبت به ایران است اینطور نیست بلکه نسبت به چین و افغانستان و عثمانی هم همین اوضاع پیش آمده است حتی نسبت به اروپا به جهت اینکه گمرک مال التجاره اروپا راده مساوی زیاد کرده است بطوریکه مال التجاره اروپائی هیچ داخل روسیه نمیشود مثلاً جورایی که ده فرانک در پاریس خریده میشود وقتی بنا باشد تقریباً صد فرانک از او گمرک بگیرند دیگر معلوم است این امتعه رواج ندارد و تقریباً جزو صنوعات است و اینکه آقای حائری زاده اشاره فرمودند به استاتستیک تجارتي قبل از جنگ بنده هم تصدیق میکنم بلکه داد و ستد ایران با روسیه پیش از دویست میلیون سنات طلائی بود که ذکر کردند ولی در این مسئله یک نکته را نباید از نظر محو کرد و آن این است که روسیه امروز روسیه سابق نیست لهستان که دارای چهل میلیون نفوس است و از این میزان پانزده میلیون آن تحت فرمانروائی روسیه بود بعد از جنگ مجزی شدند دولت لیتوانی — لیتوانی — استونی — از طرف دیگر مجزی شدند فنلاند از یک طرف مجزی شد. پس در این صورت باید تصدیق فرمائید احتیاجاتی که روسیه قبل از جنگ به امتعه ایران داشت دیگر آن احتیاجات را امروزه بواسطه مجزی شدن این ممالک نمی تواند داشته باشد. مثلاً ملاحظه فرمائید در کارخانجات روسیه امروز پنبه ایران را کار نمی کنند پنبه ایران که در روسیه امریکائی مخلوط می کنند و پارچه می بافند. پنبه ایران که در روسیه مصرف داشت در کارخانه (لودز) مصرف می شد که امروز در دست لهستان است. اما راجع به ترتیبات مذاکرات راجع به تجارت اظهار فرمودند. بر طبق مذاکراتی که در مسکو و طهران شده است در مسئله تجارت و در سایر مسائل که فیما بین دولت ایران و روسیه محل اختلاف بود چون دولت ایران مصمم شده است که اختلافات خود را با روسیه دفعه خاتمه بدهد بنا بر این مشغول مذاکرات هستند. هیئت دولت و وزرائی که این کارها و اختلافات مربوط به وزارتخانه های آنها است همه مشغول بخاتمه دادن این موضوع هستند و برای اینکه کار زودتر تمام بشود یک روز بعد از جلسات هیئت وزراء و هر جلسه تقریباً دو ساعت و نیم بوقت جلسه افزوده شده است از نقطه نظر اینکه این مسائل زودتر خاتمه پیدا کند و پیشنهاداتی هم که فعلاً در مسئله تجارت شده است تمام اساسش مربوط بموازنه تجارتي است و معلوم است وزارت خارجه وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه در کمیسیونهایی که دارند مشغول انجام این کار هستند و در اراضی هم که رسیده است دقت می کنند برای اینکه کار را به صورتی که عملی باشد و منافع ایران را تأمین نماید انجام بدهند و اگر چند روزی هم طول کشیده است یا طول بکشد برای این است که هیئت دولت میخواهد این اختلافات را یکمرتبه خاتمه بدهد نه اینکه یک مسئله که ما ذی نفع هستیم

خواسته کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.
رئیس — رأی گرفته میشود بمفاد این خبر آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس — تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی هشت روزه آقای حاج میرزا حبیب الله (امین التجار سابق) نماینده اصفهان.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

آقای حاج میرزا حبیب الله امین نماینده محترم اصفهان برای انجام امور فوری از تاریخ حرکت که به اداره مباشرت اطلاع میدهند هشت روزه اجازه مرخصی خواسته کمیسیون عرایض تصویب مینماید.

رئیس — رأی میگیریم بمفاد این خبر آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه راجع به مواد الحاقیه مؤسسه رهنی.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه — مأخذ هر وجهی که در سایر معاملات استقراری مؤسسات و اشخاص بعنوان حق الحفظه و مال الصلح و مال الاجاره معمول میباشد حداکثر آن ۱۲٪ خواهد بود و محاکم عدلیه نسبت به مبالغی که علاوه بر میزان فوق قرار داده شود حکم نخواهند داد.

رئیس — آقای بیات. (اجازه)

بیات — موافقم.

رئیس — آقای شریعت زاده.

شریعت زاده — موافقم.

رئیس — مخالفی ندارد؟

(گفتند — خیر)

رئیس — رأی گرفته میشود به این ماده بطوری که قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. ماده الحاقیه دوم.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه — مؤسسه رهنی میتواند امانات نقدی که مدت آنها کمتر از یکسال نبوده به شرطی که مؤسسه مجاز در تصرف باشد قبول نموده و در این صورت دو ثلث از حق الحفظه که مؤسسه از بابت سراهنه سال مذکور میگیرد بصاحب امانت خواهد داد.

تبصره — مؤسسه رهنی سند رسمی بضامنت دولت بصاحب امانت خواهد داد.

رئیس — آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی — اساساً با این ماده همانطور که آن روز هم پیشنهاد کردم موافقم ولی یک جمله هست که این قسمت را مبهم میکند. مینویسد: برای یک مدتی که کمتر از یکسال نباشد.

و اینجا معلوم نمی کند که اگر کمتر از یکسال بود اساساً نباید قبول کند؟ یا اگر قبول کرد آن حق الحفظه را بصاحب پول نخواهد داد؟ ولی در آن پیشنهاد بنده این طور نوشته ام که در هر صورت وجه را قبول کنند اگر کمتر از یکسال شد عین وجه را رد کنند و اگر از یکسال تجاوز کرد دو ثلث حق الحفظه را بصاحب مال بدهند. علاوه بر این این طوریکه جمله را نوشته اند مبهم است و اگر آقای سخبر قبول کنند یکطوری جمله نوشته شد که معلوم کنند کمتر از یکسال هم حق دارد قبول کند یا خیر مثلاً اگر کسی بخواهد مسافرت کند و وجهی داشته باشد بخواهد در مؤسسه رهنی امانت بگذارد وجه را قبول کنند منتهی اگر مدت کمتر از یکسال شد حق الحفظه را صاحب مال حق نخواهد داشت و اگر از یکسال تجاوز کرد بیزانی که معین کرده اند پرداخته شود.

سخبر — نظر کمیسیون این بوده است. امانتی را که مؤسسه رهنی می پذیرد مدت آن امانت کمتر از یکسال نباشد و در ماده هم این نکته صریح است و گمان میکنم عبارتی صریح تر از این عبارتی که در ماده نوشته شده است نشود پیدا کرد مینویسد: مؤسسه رهنی میتواند امانات نقدی که مدت آنها کمتر از یکسال نبوده بشرطی که مؤسسه مجاز در تصرف باشد قبول نماید. این عبارت کاملاً صریح است و اشکالی هم ندارد و اینکه فرمودند یک جمله یا یک ماده اضافه کنند که بتواند مؤسسه یک پولهایی بطور امانت قبول میکنند و چیزی هم بطرف ندهد عرض میکنم که این مدت کم نسبت به مخارجی که برای ترتیب این کار تعلق میگیرد ارزش ندارد چون یک پولی است و باید حفظش کرد و البته دفتر و صندوق و اجزا و یک چیزهای زیادی برای حفظ این قبیل پولهایی که نباید حق الحفظه بدهند میخواهد و بالاخره هم گمان میکنم جایش اینجا نباشد و ما در اینجا میخواهیم یک راهی برای این قبیل چیزها پیدا کنیم ولی بعد در آن لایحه بانکی که بعد خواهد آمد این مواد و نظریات در آنجا پیش بینی خواهد شد.

رئیس — آقای امین التجار. (اجازه)

حاج میرزا حبیب الله امین — در قسمت آخر این ماده مینویسد: در این صورت دو ثلث از حق الحفظه که مؤسسه از بابت سراهنه سال مذکور میگیرد بصاحب امانت خواهد داد. از این عبارت* آنطوری که بنده می فهمم این است که اگر این مال معامله نشد یعنی پول را مؤسسه گرفت ولی معامله نکرد نباید حق الحفظه بدهد چون مینویسد از بابت سراهنه سال مذکور اگر معامله بشود صدی شش بصاحب پول خواهند داد و البته اگر معامله نشود نخواهند داد در صورتی که تصور میکنم این طور نباشد و در هر صورت باید وقتی پول را قبول کردند صدی شش را بدهند.

رئیس — آقای شریعت زاده. (اجازه)

شریعت زاده — بنده تصور میکنم نظر از پیشنهاد این ماده الحاقیه این بوده که مؤسسه پس از قبول اماناتی که مدتش کمتر از یکسال نباشد باید آنها را بکار بیندازد و از آن استفاده کند و در نتیجه بکار انداختن پول سهمی بصاحبش پردازد. بنابراین هیچ

رئیس — این پیشنهاد را قبلاً آقای مدرس کرده اند و اعلم از شما هستند. بشما اخطار میکنم. آقای شریعت زاده. (اجازه)

شریعت زاده — بنده از طرفی مایل به توضیحات اعتراض آمیز نسبت به طرز بیان نماینده محترم نبودم ولی متأسف هستم که ایشان در یک قسمت از مسائل بدیهی اشتباه کردند. بطوری که آقای رئیس خاطر نشان کردند این پیشنهاد را آقای مدرس امضاء کردند و قطعاً این در نتیجه یک مطالعاتی بوده است. مطلب اینست که یک مؤسسه که از طرف دولت مجاز است یک کارهایی انجام بدهد میتواند اموالی را قبول بکند و او را بکار بیندازد و این در حکم یک و کالتی است که از طرف صاحب سرمایه پیداسیکنند و مطابق موازین قانونیه مواجه با هیچ اشکالی نخواهد شد. درست که دقت بفرمائید معنی آن این است که کارکنان مؤسسه در نتیجه انجام وظائف و کالت که در حقیقت بمنزله صاحب سرمایه هستند از حیث بکار انداختن سرمایه منافعی که حاصل شده است یک قسمتش متعلق به آنهاست یعنی حق الحفظه که در نتیجه بکار انداختن سرمایه بدست آمده تقسیم میشود یک قسمتش از بابت حق الزحمه که این مؤسسه برای بکار انداختن این سرمایه انجام میدهد یعنی یک ثلث به او داده میشود و دو ثلث به صاحب سرمایه و بنده نمیفهمم که چطور این مسأله قابل انطباق نیست با اصول قانون اساسی در هر صورت این موضوع اگر غیر از این بود و بالاخره منطبق با موازین قانونیه نبود هیچ وقت آقای مدرس و سایر نمایندگان محترم امضاء نمیکردند و معلوم نیست که مجلس شورای ملی از حیث وجوب توجه به یک مسأله و اصولی کمتر از آقای آقاسید یعقوب دقت داشته باشد بنابراین بنده پیشنهاد میکنم که مذاکره ختم شود و رأی گرفته شود.

سخبر — اساساً یک نکته را بنده میخواستم در اینجا تذکر بدهم که چرا آقای مدرس در ضمن یک همچو لایحه یک همچو پیشنهادی را فرمودند. این یک فکری است که شاید از سالهای سال در این مملکت پیدا شده است برای اشخاص متفکر و اشخاصی که وضعیت اقتصادی مملکت را بدقت نگاه میکردند بالاخره فهمیدند که مملکت در مقابل این عملیات خارجی ها بانک لازم دارد و بالاخره ما باید خودمان یک بانک با سرمایه صحیحی تأسیس کنیم که بتوانیم در این زمینه رقابت کنیم با آزادی تجارت آنها. در این موقع یک لایحه آمده است به مجلس. بنده خودم تصدیق میکنم که جای این پیشنهاد آقای مدرس در آن لایحه اساسی بانک است ولی بفرمائید بعضی از آقایان نمایندگان در مواقعی که فرصت بدست ما میآید که بتوانیم یک قدم اساسی برای اقتصادیات مملکت برداریم نباید بگذاریم موقع فوت شود این یکی از مواقعی است که آقای مدرس احساس کردند و در خارج مجلس هم توضیح دادند. آقای آقاسید یعقوب هم خودشان عضو کمیسیون هستند و در کمیسیون هم حرارتی بخرج ندادند مع هذا نفهمیدم حالا چه شد که یکمرتبه اوقاتشان تلخ شد!! این یک موضوعی بود که در جلسه گذشته آقایان نمایندگان با یک آغوش بازی آنرا استقبال کردند و امیدواریم که این فکر حقیقتاً عملی

فلسفه و دلیلی بنظر نمیرسد که اگر آن وجه در این مؤسسه بکار نیفتاد و از آن سرمایه استفاده نشد مؤسسه یک مبلغی بصاحب آن پردازد و آقایانی هم که مذاکره میفرمودند نظرشان این نبود بنابراین تصور میکنم اشکالی وارد نباشد.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده استدعا میکنم مجلس شورای ملی یکقدری متوجه باشد که به احساسات یکدفعه یک ماده را نگذراند که یک اصلی از اصول مسلمه از بین برود. ما آمدیم حق الحفظه را برای اشیائی که آنجا رو میگذارند قراردادیم. خوب بنده رفتم پول در بانک رهنی گذاشتم بعد از یکسال که در آنجا ماند دو ثلث صد نه را بمن بدهد؟ آقا. این غیر از ربا است که ما رأی داده ایم؟ جنابعالی رئیس مؤسسه هستید بنده پول داده ام شما معامله خودتان را آنجا می کنید من که چیزی نیآورده ام بشما بدهم که حق الجماله بمن میدهد. آقایان — فکر کنید این ماده قانون اساسی است. این طور نکنید. بیک احساساتی با روی قانون اساسی و اصول اسلامیت نگذارید. انما البیع من عمل الشیطان...*

(خنده نمایندگان)

آقاسید یعقوب — آیه اش درست نظرم نیست نخندید آیه حرام بودن ربح است. آقا جان نخند ربا در تمام قرآن هست مردم عوام هم میدانند چرا میخندید؟ اقلاً یک عنوان شرعی درش قرار بدهید. بنده میگویم اینجا در تحت عنوان حق الجماله یا حق الحفظه یا یک چیزی بگذارید که از مجلس که بیرون رفت نگویند مجلس علناً ربا را تصویب کرد و برخلاف اصل قانون اساسی رفتار کرد و صریحاً آیه را زیر پا گذارد. بنده بردم پولم را در این مؤسسه رهنی که آقای مدرس خیالشان بانک بود گذاشتم بعد تا یکسال هم دست بهش نمیزنم مطابق این ماده رئیس آن شعبه از صد نه دو ثلثش را که صد شش باشد بمن میدهد. این که حق الجماله ندارد!! این چه چیز است که تق و تق میکنید؟ بمن چه جواب میدهد؟ چه جوابی در این مسأله دارید؟ بنده به اصول ارتجاع قائل نیستم ولی به اصول مسلمانی و قانون اساسی قائلم بنده میگویم این ماده برگردد به کمیسیون و در کمیسیون یک تعبیری درش بشود که صریحاً اینطور نیاید در مجلس شورای ملی. برگردد به کمیسیون و یک طوری بشود که از تحت عنوان اینکه من پول دادم آنجا پس از یک سال صدی شش بگیرم خارج شود و کمیسیون در تحت عبارات دیگری در بیاورد و مجلس رأی بدهد. بنده به نام اخطار ماده دوم قانون اساسی به مجلس عرض کردم و استدعا میکنم که سخبر هم با بنده مساعدت کنند این ماده برگردد به کمیسیون که در تحت یک عنوانی که این ترتیب نباشد در بیاید.

رئیس — لازم است تذکر بدهم به آقای آقاسید یعقوب که این مسأله تماس با اصول اسلامی ندارد.

نمایندگان — صحیح است.

آقاسید یعقوب — چه چیز صحیح است؟! [با حال تعرض از مجلس خارج میشدند].

شود و بزرگ شود که بلکه ما هم بتوانیم یک بانک با سرمایه —
یک بانک با اعتبار که مردم مجبور نشوند پولشان را جاهای دیگر
بگذارند داشته باشیم.

رئیس — آقای بیات موافقت؟

مرتضی قلی خان بیات — بلی موافقم.

رئیس — آقای یاسائی، (اجازه)

یاسائی — موافقم.

رئیس — آقای حقنویس.

میرزا علی حقنویس — موافقم.

رئیس — آقای بهبهانی.

بهبهانی — موافقم ولی یک توضیحاتی دارم.

رئیس — پیشنهادی رسیده است ممکن است در ضمن مذاکره
در آن پیشنهاد بفرمائید. پیشنهاد آقای حاج میرزا حبیب الله اسین.

[به شرح آتی قرائت شد]

بنده پیشنهاد میکنم که آخر ماده الحاقیه دوم این قسم
نوشته شود: در این صورت دو ثلث از حق الحفظه که مؤسسه از
بابت معاملات میگیرد که صدی شش خواهد بود به صاحب
امانت خواهد داد.

رئیس — آقای بهبهانی، (اجازه)

بهبهانی — بنده تصور میکنم که این پیشنهاد روی مذاکرات
آقای آقاسید یعقوب پیشنهاد شده است که خواسته اند دفعه دخیلی
کرده باشند از اینکه آن طوری که آقای آقاسید یعقوب ذکر کردند
معامله ربوی نشود و بنده تصور میکنم آقای آقاسید یعقوب اشتباه
کرده باشند برای اینکه ملتفت آن تبصره نشده اند زیرا آن تبصره
توضیح میکند این مسأله را. اولاً عرض میکنم که حق الحفظه
هیچ فرق نمیکند در یک عبا یا قبا یا جنس یا وجه نقد. البته
قرض دادن موجب این خواهد شد که این معامله ربوی بشود.
ولی قرض نیست میگوید این مال امانت باشد و این اسانتی که
اینجا هست بشی اجازه میدهد که درش دخالت کند و از بابت آن
سال یک معاملات بکند که آن معاملات را همین مجلس تصدیق
کرده است که ربوی نیست برای اینکه حق الحفظه است. زیرا همانطوری
که یک پولی در بانک هست واز محلی که برای بانک معین کردیم
او بجه میزان شرعی حق الحفظه میگیرد؟ بمیزان اینکه یک مالی
را از مردم میگیرد و برای حفظ آن مال و به این عنوان یک
حق الحفظه میگیرد. البته آقایان تصدیق میکنند که امور شرعیه
و فقهیه تابع عناوین است اگر ما عناوین را تغییر دادیم مثلاً
اشخاصی که نماز قصر بخوانند یعنی مسافرین حالا که قصداً قامت
کردند بقصد اقامت ولو اینکه اقامت نشود نمازشان را باید تمام
بخوانند اینجا هم اگر عنوان شرعی مسأله را این عنوان قرار دادیم
که برای اینکه این آدم حفظ میکند این سال را و ضمان دارد یک
حق الحفظه میگیرد چون امانت که پیش کسی میگذارند هیچ
لازمه امانت داری عدم تلف او نیست و اگر تلف شد این شخص
ضمان ندارد یعنی اگر کسی عبا خود را پیش من امانت گذاشت
و این عبا ضمانت تلف شد صاحب آن امانت نمیتواند بگوید چون تلف

شده است تو باید از عهده برآئی چون امانت بوده است و تلف شده.
من که تلف نکرده ام...

آقاسید نیرزا علی — امانت تضمینی باشد ضمان دارد.

بهبهانی — اما من حق دارم که بگویم این را حفظ میکنم
و یک حقی از شما میگیرم و این وجهی که میگیرم حق نگاهداریش
است و حق حفظش است و دخالتش این است که تغییر میدهد
معامله ربوی را. ازین گذشته پیشنهاد کننده آقای مدرس هستند
و این را باید تصدیق کرد که مدرس آدمی نیست که برایگان یکی
از امور شرعیه را زیر پا بگذارد و در مجلس یک امر ربوی را
پیشنهاد کند از این جهت چون این پیشنهاد هم برای آن مذاکرات
در نظر گرفته شده و پیشنهاد شده است صحیح نیست.

رئیس — آقای مخبر؟

مخبر — بسته به نظر مجلس است بنده قبول نمیکنم.

رئیس — ثانیاً قرائت میشود.

(به شرح سابق قرائت شد)

رئیس — رأی گرفته میشود. آقایانی که این پیشنهاد را
قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود به ماده الحاقیه
بضمیمه تبصره آقایانی که موافقت قیام بفرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. شور در کلیات است. آقای یاسائی،
(اجازه)

یاسائی — موافقم.

رئیس — آقای بامداد، (اجازه)

بامداد — بنده با تمام لایحه بدیهی است موافق هستم و
فقط مخالفتم برای اینست که استفاده کنم از یک کلمه و تذکری
بدهم به آقایان و آن کلمه لدی الاقتضاء است که برای ولایات
گذاشته اند. بنده برای اینکه مسبوق بودم و حتی از شیراز چندین
تلگراف بمقامات مربوطه آمده بود دائر به اینکه اوضاع قرض و
استقراض فارس خیلی بد است و بیهودیها و بعضی پولدارها معرکه
میکند نسبت بمردم در کمیسیون پیشنهاد کردم که راجع به ولایات
هم این مسأله پیش بینی شود و خوشبختانه مورد توجه شد و رئیس
کل مالیه حاضر بود و قبول کرد و حتی چند ولایت را صورت داد
بعد که تبصره انشاء شد «لدی الاقتضاء» را آنجا آوردند و اگر به آن
معنی است که بنده میدانم و عقیده بنده است خیلی خوب است زیرا
«لدی الاقتضاء» همین الان است یعنی همین الان اقتضاء دارد. زیرا
در طهران مؤسسات رهنی زیاد است و یک ترتیبی هم دارد ولی در
ولایات یکی از آنها نیست و بنده استدعایم این است که کلمه
لدی الاقتضاء را اقلاً حذف کنند و فقط بنویسند مالیه مجاز است که
در ولایات هم شروع به تشکیل کند.

رئیس — آقای یاسائی، (اجازه)

یاسائی — این نظری را که آقای بامداد دارند تمام نمایندگان
ولایات دارند که هر چه زودتر شعب مؤسسه رهنی در ایالات

ولایات هم تأسیس شود. البته تصدیق میفرمایند بعد از اینکه ما
رأی دادیم و «لدی الاقتضاء» تصویب شد دیگر در ضمن شور در
کلیات لایحه نمیشود مخالفت کرد و گفت آن لفظ را بردارند، موقعش
گذشته است، با اساس لایحه هم که خود ایشان موافقت کردند
و دکتر میلیسیو هم موافقت میکرد که در مراکز ایالات تا یک
سدتی بعد از ششماه یکسال شعبه های مؤسسه رهنی تأسیس شود ولی
تصدیق میفرمائید همانطور که حضرتعالی عقیده دارید در شیراز
تأسیس شود بنده هم علاقه دارم در شاهرود تأسیس شود، تفاوتی
هم نمیکند، در اینصورت معقول نبود که مثل تمام شهریه های
مقطوعه در دوره پنجم هر کس بگوید باید برای حوزه انتخابیه من
تخصیص داده شود، از این جهت اعضاء کمیسیون بودجه کلمه
لدی الاقتضاء را قبول کردند و مجلس هم تصدیق کرد و
لدی الاقتضاء معنائی ندارد که اسباب توحش جنابعالی باشد، هر
وقت شما حس کردید که یک وجوهی در مؤسسه رهنی زیادتر
موجود هست. چون روز بروز هم وجوه تقاعد زیاد میشود و پیشنهاد
آقای مدرس هم قبول شد که دو خمس دیگر را هم دولت از
صندوق تقاعد بگیرد و بکار بیندازد در اینصورت تصور میکنم جای
نگرانی نباشد چون خود دولت هم علاقه دارد که در ولایات هم
این مؤسسه را ایجاد نماید.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کثانی است.

دکتر سنگ — اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم؟

رئیس — توضیح راجع بچه چیز است؟

دکتر سنگ — راجع به لدی الاقتضاء.

رئیس — دیگر موقعش گذشته است.

مخبر — چون ممکن است از ظاهر ماده قانن که آقای
مدرس پیشنهاد فرمودند راجع بدو خمس (اگر بطور ماده الحاقیه
نوشته شود) بدو که قانون را بخوانند تصور کنند که یک تناقضی
با ماده سوم دارد این است که در موقع انشاء قانون برای اطلاع
عرض میکنم که ماده الحاقیه ماده چهار خواهد شد و ماده چهار
ماده پنج تا آخر.

بامداد — این جمله که عرض کردم...

رئیس — مذاکرات کافی شده است، رأی میگیریم به این
قانون که مشتمل است بر هشت ماده بضمیمه تبصره ها، و رقه سفید
علامت قبول و ورقه کبود علامت رد.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)
ورقه سفید (علامت قبول) — (۶۶). ورقه آبی (علامت رد)

(۳)

رئیس — عده حضار هفتاد و هشت، به اکثریت شصت و شش
رأی تصویب شد.

اسامی موافقین: آقایان میرزا حسن خان اسفندیاری — محمد
علی میرزا دولتشاهی — آقاسید کاظم یزدی — هاشم آقا ملک مدنی —
آقاسید سید احمد بهبهانی — عباس میرزا فیروز — آقاسید میرزا ابراهیم
اسامی جمعه اهر — آقا میرزا هاشم آشتیانی — شیخ العراقین بیات —
حاج علی اکبر امین — میرزا حسن خان فرمند — میرزا ابراهیم خان

ملک آرائی — ملک ایرج پور تیمور — محمد آخوند — حاج میرزا
حبیب الله اسین — میرزا عبدالعزیز مفتی — میرزا حسین خان وزیری —
سهدی بنی سلیمان — میرزا عبدالله یاسائی — عطاء الله خان پالیزی —
محمد ولی میرزا — میرزا محمدخان معظمی — کیخسرو شاهرخ —
میرزا سید حسین خان میرممتاز — ابوالحسن خان ثقة الاسلامی —
میرزا عبدالباقی — محمد تقی خان اسعد — میرزا رضاخان افشار —
میرزا خلیل خان فهیمی — میرزا حسن خان موقر — میرزا
عبدالمیرخان نگهبان — احتشام زاده — دکتر لقمان —
میرزا ربیع خان جهانشاهی — سید ابراهیم ضیاء — میرزا
حسن علی خان فرمند — میرزا محمدعلی خان بامداد — میرزا علی
حقنویس — دکتر سنگ — میرزا سید سهدی (معمداً التولیه) —
اسکندر خان مقدم — میرزا سید علی — میرزا حسین خان پیرنیا —
شیخ الاسلام ملایری — دکتر هادی طاهری — حاج میرزا آقای
فوشی — شریعت زاده — میرزا اسمعیل خان نجومی — آقا علی زارع —
امیر تیمور کلالی — سید حسین آقایان — میرزا عبدالله وثوق — میرزا
حسن آیه الله زاده — سید ابوالحسن حائری زاده — ثقة الاسلام بروجردی —
نصرت الله خان اسکندری — ذوالقدر — عصرانقلاب — مرتضی
قلی خان بیات — میرزا سید احمدخان اعتبار — شیروانی — امیر
حسین خان ایلخانی — کی استوان — میرزا صادق خان خواجوی —
آقا شیخ محمد علی اسام جمعه شیراز.

اسامی مخالفین: آقایان آقاسید یعقوب — حاج اسد الله زوار —

میرزا حسین خان جلائی.

رئیس — چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع
ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس — بطوری که در ابتدای جلسه امروز مجلس مقدس
مقرر داشت به آقای رئیس الوزراء و آقایان وزراء محترم اطلاع داده
شد در مجلس حضور بهم رسانند و آقایانی که مایل هستند از اقدامات
دولت نسبت به کشف این قضیه ها تله مسبق بشوند سؤالی دارند
بکنند و آقای رئیس الوزراء و آقایان وزراء جواب بدهند، آقای
فاطمی، (اجازه)

فاطمی — بنده سه روز قبل در جلسه خصوصی در موقعی که
هیئت محترم دولت حضور داشتند عرایضی عرض کردم و منتظر
بودم برای لااقل جلسه امروز در نتیجه جدیدی که قطع داشتم
هیئت محترم دولت در این موضوع دارند و سراقبتی که در سایر
قسمتها قبلاً از نظرم دیده بودم راجع بسراقبتی بهم و مشکلی که
در این شهر پیش میاید و با یک عجله و دقتی کشف میشد یک
چنین قضیه سهمی که بنده میتوانم عرض کنم که در درجه اول
اهمیت است نتیجه اقدامات خود را به مجلس اظهار نمایند آقای
مدرس اگر اینجا هدف تیر تروری واقع شدند اولاً خود ایشان البته
چندین جنبه دارند جنبه روحانیت — درجه اول، جنبه شخصیت،
ولی در این موضوع بنده میتوانم عرض کنم که در حقیقت مجلس
شورای ملی هدف واقع شده است نه شخص آقای مدرس — (بعضی

از نمایندگان - صحیح است). و تاکنون متأسفانه بنده این قضیه را یک طوری می بینم که مثل خیلی قضایای عادی کوچک فرض شده و هیچ آثاری از کشف قضیه نمی بینم، در خارج هم یک انتشاراتی هست و یک حرفهائی زده میشود که آنها را هم بنده چون سند ندارم نمیتوانم عرض کنم، مثلاً شنیده ام میگویند بین مستنطقین عدلیه و نظمیّه اختلاف نظر هست اگر هست تکلیف دولت است که رفع این اختلاف نظر را بکند که قضیه در حال به جریان خود بیفتد و اگر نیست چرا تا به حال هیچ دلیلی برای کشف قضیه بدست نیامده؟ و باز بنده میخواهم عرض کنم که برای دولت در تحقیقات و تفتیشات و هر اقدام دیگری که بخواهد راجع به این موضوع بکند هیچ موقعی بهتر از حالا نیست، چون هیئت دولت لازمه جدید را در این موضوع دارند، مجلس شورای ملی هم با اتفاق کلمه حتی یک چند نفری هم که در مجلس شورای ملی بودند و یکی از آنها خود بنده بودم که نسبت به سایر اسرار دولت مستنق بودیم مخصوصاً آنروز در جلسه خصوصی عرض کردم حالا هم در جلسه علنی عرض میکنم که آن امتناع خودم را برداشتم و همه یک جهت و یک کلمه عموماً متفق هستیم در تقویت بدولت برای کشف این جنایت. از آنطرف هم البته از دولت انتظاراتی داریم و انتظارات ما این است که دولت با تمام قوای خود سعی نماید و هر چه زودتر کشف این توطئه بشود، چرا؟ برای اینکه ماها هم که شریک و رفیق سیاسی مدرس هستیم همه ما مطابق عقیده ایشان عقیده داریم و تصور نمیکنم ایشان یک عقیده داشته باشند که ما نداشته باشیم اگرچه در مسائل جاری عادی همیشه ممکن است اختلاف نظری باشد ولی در آن اصلی که هست و همه معتقد هستیم آقای مدرس همان عقیده را دارند که بنده دارم و بنده هم همان عقیده را دارم که آقای مدرس دارند، پس به این جهت باید یک طوری باشد که برای ماها هم آزادی باشد که بتوانیم اظهار عقیده کنیم و اصلاً با آمدن به مجلس شورای ملی هم مخالفت هستم و با کمال صراحت اینجا عرض میکنم بنده بعقیده خودم (آقایان را شریک نمیگیرم) خودم شخصاً عرض میکنم که اگر دولت تا سه روز دیگر این قضیه را کشف نکرد بنده دیگر در مجلس شورای ملی حاضر نمیشوم و تمام افکار عمومی را هم شاهد میگیرم که بچه دلیل بنده در مجلس حاضر نمیشوم و اینهم آخرین عرض بنده خواهد بود و اگر تا سه روز دیگر هم از بنده کسی چیزی نیند یعنی در این موضوع عرضی نخواهم کرد و بنده دیگر هم حاضر نخواهم شد و به استمهان اطلاع میدهم که بجای بنده یک نفر دیگر را معین نمایند.

رئیس - آقای بهبهانی. (اجازه)

بهبهانی - در مذاکراتی که امروز در مجلس قبل از دستور میشد یکی از نمایندگان محترم در اول فرمایشاتشان فرمودند (که من عقیده ام این است که مذاکرات قبل از دستور اثری ندارد) بنده کم کم دارم اعتقاد پیدا میکنم که مذاکرات دستوری هم اثر ندارد برای اینکه در جلسه گذشته بطوری مسأله واقعه نسبت به مدرس تهییج کرده بود مجلس و جامعه مجلس را که به کلی

والبتّه اگر چیزی هست آقایان وزراء بهتر میدانند و خواهند فرمود. در هر صورت مسؤول این مملکت آقایان وزراء هستند و بواسطه آن شدت علاقه مندی که مجلس شورای ملی مخصوصاً در این قضیه ابراز کرده و واقعاً اظهار یک احساساتی نسبت بدولت میکردند بنده تصور میکنم این مسئولیت تماماً متوجه دولت است و دولت باید پیش از همه چیز درصدد این باشد که زودتر یک نتیجه بدست بیاورد و مردم را مطلع بکند. متأسفانه یا هنوز اقدامی نشده یا سارا مطلع نکرده اند. در جلسه گذشته مجلس چه در جلسه خصوصی و چه در جلسه علنی اینجا عنوان شد که دولت هر وسیله برای کشف این قضیه دارد باید اعمال کند و مجلس با تمام قوا برای سواقت با دولت حاضر است. من تصور نمیکنم در هیچ موقعی یک مجلس شورای ملی یک چنین کلمه جامع و یک همچو اختیارات تاسه بدولت داده باشد. دولت چه میخواهد؟ منتظر چیست؟ چطور میشود تصور کرد که یک دولتی بایک اختیارات محرز و یک وسائل مسبوطة از قبیل نظمیّه و غیره داشته باشد و بگوید تاکنون من در این قضیه نظری ندارم و چیزی نتوانسته ام کشف کنم؟ آقای فاطمی فرمودند من تا سه روز دیگر منتظر میشوم و اگر در ظرف این سه روز نتیجه حاصل نشد دیگر به مجلس نخواهم آمد البته این فرمایش آقای فاطمی از روی احساسات و از روی شدت تأثر است ولی بنده عرض میکنم که هر آن منتظر یک نتیجه بدست بیاورد تصور میکنم از طرف خودم و سایر آقایان نمایندگان بایستی بهیئت دولت عرض شود که ما امروز فردا و هر دقیقه منتظریم نتیجه امر معلوم شود اما اگر هم نشد بنده تصور میکنم که بایستی آقای فاطمی در این باب سواقت فرمایند و جدیت کنند تا بفهمیم سوانح چیست که موانع را از بین برداریم و مجلس هم بحال خود باقی بوده و امنیت هم بحال آزادی بماند و الا بنده که کنار رفته ام یا آقای فاطمی کنار رفتند بالاخره باید این کرسیهای مجلس را یک اشخاصی اشغال نمایند و دخالت در امور این مردم بیچاره بکنند و فقط امنیت جانی و مالی این مردم را تأمین بنمایند. در هر صورت بنده تصور میکنم اگر آقایان وزراء در این باب اقدامی کرده و نتیجه گرفته اند خویست خاطر آقایان نمایندگان را مستحضر فرمایند و راجع بقضیه سانسور هم اگر معلوماتی خدمتشان هست فرمایند که این سانسور واقعیت دارد یا نه؟ و اگر حقیقت دارد بچه مناسبت است؟

وزیر مالیه - آقای بهبهانی فرمودند بهیئت دولت اعتراضی ندارم ولی متأسفانه فرمایشاتشان همه اعتراض بود. در این مسئله هیچ جای شبهه نیست که مجلس شورای ملی و مردم منتظر نتیجه هستند. نه منتظر اینکه ما هر روز بیائیم اینجا و بگوئیم چه کرده ایم. پرریوز بعد از اینکه هیئت وزراء از اینجا مراجعت کردند تا سه ساعت از شب گذشته مشغول اقدامات برای تعقیب این مسئله بودند و تعلیماتی که لازم بود برای این مسئله دادند که اینکار البته مهم ترین کارها حساب کنند تا نتیجه او بزودی حاصل شود و بعرض مجلس برسد. بنده تصور نمیکنم که مجلس منتظر این باشد که ما هر ساعت بیائیم اینجا و بگوئیم چه کرده ایم باید مجلس منتظر بشود تا نتیجه عملی این امر بدست آید. دولت دستور العمل و تعلیماتی

که بمسورین خودش داده است یک چیزی نیست که علنی ذکر بشود یا در اینجا علنی ذکر کنند یا در جلسات خصوصی اسباب تصدیق آقایان را فراهم نمایند دولت در این مسئله همانطور که پرریوز عرض شد بقدری که آقایان نمایندگان عجله دارند بیشتر عجله دارد. برای اینکه مسئول امنیت مملکت است، وزارت عدلیه و اداره نظمیّه هم هر دو با تعاماتی که داده شده در تعقیب کار هستند و البته اگر در ضمن عمل سوانحی پیش بیاید دولت آموانح را حل و رفع میکند و اینکه آقای فاطمی فرمودند اگر تا سه روز دیگر نتیجه حاصل نشد خودشان را کنار میکشند تصور میکنم این مسئله هم هیچ موردی نداشته باشد. زیرا مسائل البته ممکن است در تحت اقدام سه روز چهار روز طول بکشد و این دلیل نمی شود که نمایندگان محترم با کمال بی صبری که دارند از کار کناره بکشند که یک نگرانی های دیگری هم فراهم بیاورد بنده عرض میکنم هیئت دولت هم دیروز هم پرریوز که از اینجا رفتند یعنی هم قبل از اینکه اینجا شرفیاب شوند و هم بعد از اینکه از اینجا رفتند تمام اقداماتی که لازم بوده است کرده اند و مشغولند و البته یک همچو قضیه که اتفاق می افتد تصور نشود که در ظرف یک روز دو روز بتوان از او نتیجه گرفت. و اینکه آقای بهبهانی فرمودند روزنامهها سانسور شده است خبر روزنامهها سانسور نشده و دولت هم در این باب دستوری نداده و موافق هم نیست با اینکه جراند سانسور بشود بجهت اینکه کارهایی که میشود قابل گفتن است نه اینکه قابل سانسور باشد و اگر عدلیه یا نظمیّه خواسته اند خبرهای استنطاقات خودشان را محرمانه نگاه دارند برای تسریع در عمل بوده است زیرا البته استنطاقات در مقدمه کار باید مخفی بماند و نمیتوان این مسائل را نشر و انتشار داد و این مسئله از راه سرعت عمل و حصول نتیجه است نه از بابت این است که اقداماتی نشده باشد و بنده تصور میکنم آقایان نمایندگان نباید هیچ نگرانی داشته باشند که دولت در وظایف خودش کوتاهی میکند و تصور میکنم آنچه مقدر میشود خواهد کرد و همینطور که آنروز آقای رئیس بطور خصوصی فرمودند البته یک سوانحی هم اگر باشد حتماً برسد و اگر هم سوانحی باشد که لازم باشد بعرض مجلس برسانند خواهند رسانید و هیچ شبهه ندارد.

بهبهانی - بنده یک توضیحی دارم.

رئیس - فرمائید.

بهبهانی - عرایض بنده را حمل بر اعتراض فرمودند بنده معترض نبودم مطالب بودم و البته آقایان تصدیق میکنند که مطالبه شدید بشکل اعتراض گفته میشود. یک انتظاراتی که عامه و بنده و سایر آقایان و کلاه دارند وقتی که ظاهراً به بینند بمقصود نائل نشدند و مقصودشان بی اثر ماند البته بایک همچو قضیه مهمی که اتفاق افتاده است یک حال عصبانی برای شخص پیدا میشود که مطالبه را بطور شدت بیان میکنند والا بنده معترض نبودم.

رئیس - عده زیادی از آقایان اجازه گرفته اند بنده خیال

سبکم بطور سؤال مطلب را فرمایند

آقای روحی. (اجازه)

روحی - بنده سؤال ندارم.

رئیس - آقای فیروزآبادی. (اجازه)

فیروزآبادی - بنده بعضی عرایضی داشتم که آقایان فاطمی و بهبهانی فرمودند و جواب هم داده شد فقط بنده یک مطلبی را میخواستم عرض کنم و آن این است که امید همه ملت ایران در تحت لواء این سلطنت جدید است و این کابینه جدید است این است که اگر درته گردنه دزدآب که فرضاً دوپست و هشتماد فرسخ تا اینجا راه است یادریک مکان بعید دیگری اگر یک نفر یک سیلی ناحقی توری گوش کسی بزند احقاق حق میشود متأسفانه می بینیم در پایتخت ایران نزدیک مجلس شورای ملی نیمساعت از آفتاب گذشته نسبت با آقای مدرس این قضیه مهم اتفاق افتاده است و چند روز است انتظار تمام ملت از دولت این است که کشف این مسئله شده باشد و بنده امیدوارم که بزودی موفق بکشف این مسئله بشوند که در واقع بحیثیات تمام این ملت برمیخورد بجهت اینکه یک همچو امر به این بزرگی که در روز و نزدیک مجلس شورای ملی واقع شده دولت و نظمی نتوانند کشف کنند در واقع به حیثیات تمام مردم برمیخورد و امیدوارم یک جدیتی بفرمایند که زودتر کشف این امر بشود که اسباب روسفیدی همه ماها بشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بند یک کلمه ای را می خواستم راجع به فرمایشات آقای بهبهانی عرض کنم که ما اختیارات تامه به هیئت دولت نداده ایم و اختیارات وزراء در حدود قانون است.

رئیس - متصوفاً آقا این بود که در جلسه گذشته اظهار شد که مجلس شورای ملی برای همه گونه تقویت و تأیید حاضر است. آقای بیات سؤالی دارید بفرمائید.

بیات - مقصود بنده همین اظهاراتی بود که شد.

رئیس - آقای داور. (اجازه)

داور - مسئله سانسور جرائد را که آقای وزیر مالیه فرمودند من اطلاع ندارم بنده با کمال تأسف اطلاع دارم و واقعاً اظهار تأسف میکنم از اینکه دولتی که باید قضیه به این مهی را کشف کند از سانسور جرائد اطلاع ندارد! سؤال بنده راجع به آژان مقبول و تردید در این قضیه است. بنده می خواستم ببینم هیئت دولت در این خصوص چه جواب میدهند تا بعد بنده توضیحات خود را عرض کنم.

رئیس الوزراء - اولاً بنده خیلی خوشوقت هستم از اینکه آقایان به قضیه امنیت قضایای تأمینیه مملکت این قدر اهمیت میدهند و تأکید میکنند به دولت برای حفظ امنیت. و با هر لحنی و با هر شدتی که آقایان در این باب فرمایشاتی نسبت به دولت بکنند بنده متأثر نخواهم شد (نمایندگان - صحیح است احسن است) زیرا قضیه امنیت مملکت است و آقایان حق دارند قضیه امنیت مملکت را بخواهند (صحیح است) و با هر لحن اعتراض آمیزی هم اگر باشد حمل بر هیچگونه چیزی نکرده و حق میدهم به آقایان که شدیدتر از این هم صحبت کنند (نمایندگان - احسن است) و وظیفه دولت هم هست که در موضوع امنیت آخرین اهتمام خودش را بکند و امیدوار هستم که بکند و مضایقه نکند. صرف نظر از

حالا لازم نیست که بنده جزئیات آنرا در اینجا عرض کنم ولی البته قانوناً باید به اطلاع مدعی العموم و مستنطق برسد آیا این کارها را کرده اند؟ از همین جاست که دارد کار به اشتباه میرود و بنده خواستم این را تذکر بدهند.

رئیس الوزراء - این قسمت هائی را که آقای داور اشاره کردند بنده اطلاع ندارم که به عمل آمده یا خیر شاید به عمل آمده باشد ولی به طور قطع نمی توانم عرض کنم. سؤال می کنم تحقیق می کنم بعد در یک موقعی ممکن است جواب عرض کنم.

رئیس - با موافقت آقایان جلسه ختم میشود. جلسه آینده روز پنجشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر. دستور بقیه دستور امروز.

(مجلس یک ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی - عبدالامیر منشی - اسیر تیمور

آقا سید یعقوب - راجع به مرحوم پلیس چیزی نفرمودید. رئیس الوزراء - بلی معذرت می خواهم ببخشید راجع به پلیس هم مطابق اطلاعاتی که نظمی میدهند یک نفر پلیس کشته شده است و کاسلاً نظمی این اطلاع را داده است و دولت هم مطابق اطلاعی که نظمی داده است البته این قضیه را صحیح می داند.

رئیس - آقای داور. (اجازه)

داور - بنده می خواستم همین را بشنوم یک آژانی که در یک مجلسی که یک جرعی واقع شده تیر خورده است و بدون اینکه طبیب قانونی عدلیه و مستنطق و مدعی العموم اطلاع پیدا کنند دفن شده است در صورتی که البته وقتی یک چنین قضیه واقع میشود تمام جزئیات و اطرافش باید مطالعه شود و دقت بشود و بفهمند و ضارب یکی بوده؟ دو تا بوده؟ و از آن گلوله که خورده یک تحقیقاتی باید بشود

مقامات آقای مدرس، مقام روحانی ایشان، مقام وکالت ایشان، مقام سیادت ایشان، اگر این قضیه نسبت به یک فرد خیلی عادی هم واقع بشود دولت تکلف است تا آخرین درجه اسکان سعی کند برای اینکه آن شخص بدکننده را به دست بیاورد و تأمین بدهد عامه را. این وظیفه دولت است تا چه رسد نسبت به آقای مدرس که محتاج به ذکر نیست و هر چه هم بنده بگویم زائد است و تأثرات دولت را لازم نیست بنده در این باب عرض کنم که چقدر به دولت ناگوار است ولی فقط می خواهم یک چیز را عرض کنم و تذکر بدهم خاطر آقایان را و آن این است که همه آقایان میدانند اینگونه قضایای اسفانگیز که واقع میشود اگر در همان ساعت و در همان محل عمل ضارب یا فاعل بدست نیاید برای کشف او برای پیدا کردن او حتی در نظمیهای خیلی عریض و وسیع سایر ممالک دنیا هم در عرض یک روز و دو روز اینگونه قضایا کشف نمی شود و اگر در آن موقع بدست نیاید شاید چند روز طول بکشد. باید تحقیقات بشود. باید نظمی در اطراف این کار به وسایل مختلفه یک علائمی بدست بیاورد و تعقیب کند تا به مقصود برسد. متأسفانه در آن ساعتی که این قضیه ناگوار واقع شد ضارب را نشد دستگیر کنند. پس حالا اگر چند روزی طول بکشد تا اینکه کشفیاتی بکنند این را آقایان بایستی حق بدهند که دیر نشده است. برای اینگونه کارها حتی در جاهائی هم که خیلی نظمی آنها از ما قدیمی تر و وسیع تر است و اسبابشان فراهم تر است اینگونه قضایا را در ظرف دو روز سه روز نمی توانند کشف کنند و این را حمل بر قصور نظمی یا عدم جدیت دولت و مراقبت دولت نباید بفرمایند و اما در خصوص روزنامه ای که اشاره فرمودند بنده هیچ اطلاع ندارم از اینکه منع شده باشد در اینکه روزنامه ها در این قضیه چیزهائی بنویسند و همچو چیزی را بنده اطلاع ندارم و گمان نمی کنم باشد زیرا اگر سیود بنده باید مطلع باشم که چرا منع کرده باشند و هیچ همچو چیزی را بنده اطلاع ندارم و گمان نمی کنم برای اینکه اگر بود می بایستی هر کس که این کار را میکند بنده را مطلع کرده باشد و در خاتمه هم عرض میکنم که آقایان مطمئن باشند که دولت تا آخرین درجه اسکان سعی کرده و خواهد کرد و قضیه را یک قضیه کوچکی تلقی نمی کند و راجع به امنیت هم دولت نهایت اهمیت را به نوع اینگونه قضایا میدهد تا چه رسد به این قضیه که مربوط به آقای مدرس و یکی از نمایندگان محترم است و یک مختصر اشاره هم که آقای آقا سید یعقوب فرمودند راجع به اختیار تام. همچو اختیار تامی هم دولت از مجلس تقاضا نکرده است و انتظار اختیار تام هم نداریم و اختیار تام هم نمی خواهیم ما فقط در حدود قانون یک وظایفی داریم و به وظایف خودمان هم عمل می کنیم. اختیار تام یک وقتی لازم است که شخص بخواهد از حدود قانون تجاوز کند. ما از حدود قانون هیچوقت تجاوز نمی کنیم و همان حدود قانون هم برای ما کافی است و اختیارات تام هم لازم نداریم و در حد قانون هم قضیه را تا هر جا که لازم است تعقیب خواهیم کرد.

(در این موقع آقای رئیس الوزراء نطق خود را تمام نمودند)